

شاعر : محمد جواد الهی پور

آهنگساز : سید امید سنجر موسوی

من دختر سه ساله ی خورشیدم

در شام میدرخشم و می ماند

من دختر سه ساله ی خورشیدم

ای کاش میرسید پدر از راه

یک شب میان طبقی پر نور

این جسم قد خمیده ی بی جان را

از تازیانه خسته ام بابا

تنها غم نبودن بابا بود

پر میزنم سوی بهشت امشب

اما به محض دیدن رویت

امشب شب جدایی از عمه

در چشمم اشک شوق وصال و نور

در آسمان کربلا تابان

نامم به یاد همه ی دوران

زانوی غم بغل زده در شام

یا اینکه می رسید از او پیغام

خورشید را برای من آوردند

تا لحظه ی رها شدن آوردند

دیگر مرا نای جدایی نیست

حالا مرا جز او هوایی نیست

حرف نگفته در دلم کم نیست

انگار در دل اثر از غم نیست (۲)

امشب شب رهایی و امید

بر روی دامنم سر خورشید (۲)

مربی گروه : خانم غافل زاده

کاری از گروه سرود خورشید نهان شهرستان کارون